



An Introduction to Regular Criminal Description Modeling; By Adapting the General Approach to Crimes against Security (Case Study of Moharebeh Crime)

Amin Hajivand

Doctoral student and guest lecturer of law, Ferdowsi University, Mashhad, Iran (Corresponding Author)

Parvin Asgari

Master's student in criminal law and criminology, Rushdieh Institute of Higher Education, Tabriz, Iran

Amin Alizadeh

Master's student in criminal law and criminology, Islamic Azad University, Tehran Science and Research Unit, Tehran, Iran

درآمدی بر روش مدل سازی توصیف جزایی قاعده مند؛ با انطباق رویکرد کلی نسبت به جرایم علیه امنیت (مطالعه موردی جرم محاربه)

امین حاجی وند

دانشجوی دکتری و مدرس مدعو حقوق، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

am.hajivand@mail.um.ac.ir

http://orcid.org/0000-0002-3451-9631

پروین عسگری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، مؤسسه آموزش عالی رشدیه، تبریز، ایران

pasgari0606@gmail.com

امین علیزاده

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

alizadeh@gmail.com

Abstract

Criminal description is one of the most important types of description that a method should be used to regulate it. Modeling and modeling is the best way to systematize specific criminal description. This study introduces the modeling of specific criminal law with emphasis on the description of regular criminal law and has modeled it in a crime against security (crime of moharebeh). Descriptive and data collection was done by reviewing documents and taking notes. In the proposed model of the present study, each crime consists of three parts or components, the first of which is the criminal title, which is the same as the accusatory title in the applied stage of the prosecution. Criminal titles can be divided into two categories: explicit and implicit, which can almost be said that previous studies have not examined this model and have considered the first component as a legal element. Regarding the second and third parts of this model, which is the material and psychological element, a special organization has been done which has been described in detail in the research; But the point that is more visible in this research is that the description components are regularized and by using this model, it is possible to easily identify complex crimes such as cyber-crimes and crimes against security, etc.

Keywords: Criminal Description, Modeling, Crimes against Security, Crime of Moharebeh, Criminal Title.

چکیده

توصیف جزایی به عنوان مهم ترین اقسام توصیف است که باید از یک روش در جهت قاعده مند نمودن آن استفاده نمود که مدل سازی و الگودهی بهترین روش نظام مند نمودن توصیف جزایی اختصاصی است. این پژوهش به معرفی مدل سازی (الگوسازی) حقوق جزای اختصاصی با تأکید بر توصیف جزایی قاعده مند پرداخته و در یک جرم علیه امنیت (جرم محاربه) آن را الگودهی کرده است. پژوهش حاضر از نظر نوع و هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی و جمع آوری اطلاعات از طریق بررسی اسناد و فیش برداری بوده است. در مدل پیشنهادی پژوهش حاضر، هر جرم از سه قطعه و یا جزء تشکیل می شود که قطعه اول، عنوان مجرمانه است که به مناسبت در مرحله کاربردی دادسرا، همان عنوان اتهامی است. عناوین جزایی به دو دسته تصریحی و غیرتصریحی قابل تقسیم است که تقریباً می توان به جد بیان نمود که پژوهش های سابق به بررسی این مدل نپرداخته و اولین جزء را عنصر قانونی تلقی ننموده اند. درخصوص قطعه های دوم و سوم این مدل، که همانا عنصر مادی و روانی است یک سازماندهی خاصی صورت گرفته است که در پژوهش به تفصیل بیان شده است. اما نکته ای که در این پژوهش بیشتر به چشم می خورد این است که اجزای توصیف قاعده مندسازی شده و با کاربرد این مدل و الگو، می توان به راحتی به شناسایی جرایم پیچیده همانند جرایم سایبری و جرایم علیه امنیت و... اقدام نمود.

واژگان کلیدی: توصیف جزایی، مدل سازی، جرایم علیه امنیت، جرم محاربه، عنوان جزایی.

Received: 2023/05/28 - Review: 2023/11/10 - Accepted: 2023/12/19

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۲۸ - بررسی مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۱۹ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

ارجاع:

حاجی وند، امین؛ عسگری، پروین؛ علیزاده، امین؛ (۱۴۰۲)، درآمدی بر روش مدل‌سازی توصیف جزایی قاعده‌مند؛ با انطباق رویکرد کلی نسبت به جرائم علیه امنیت (مطالعه موردی جرم محاربه)، تمدن حقوقی، شماره ۱۶.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



COPE COMMITTEE ON PUBLICATION ETHICS

مقدمه

حقوق جزا در مفهوم امروزی آن، رشته‌ای نظام مند و دارای اصول و قواعد کلی ناظر بر جنبه‌های ماهوی و شکلی مستقل از هم می‌باشد، که با تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی شهروندان در ارتباط تنگاتنگ است. این رشته از حقوق (که از شاخه‌های اصلی حقوق عمومی محسوب می‌شود) خود دارای رشته‌های مختلفی می‌باشد؛ که به تفاوت موضوعات و روش، تقسیم شده‌اند: حقوق جزای اقتصادی، حقوق جزای بین‌الملل و فلسفه حقوق کیفری از جمله این مواردند. تحول روزافزون حقوق جزا در جوامع مختلف باعث شده تا این رشته، به یکی از پرشتاب‌ترین گرایش‌های حقوق تبدیل شود، چراکه به تناسب تحول در سبک زندگی انسان‌ها، روش‌های ارتکاب جرم نیز نو به نو روزآمد شده و مسائل جدیدی را پیش روی نهادهای کنترل‌کننده جرم قرار می‌دهد.

حقوق جزا از زمره علوم تجویزی و هنجاری محسوب می‌شود که سیاست جنایی یک دولت را سامان می‌بخشد. درواقع، حقوق جزا حقوق ناظر بر جرایم و مجازات‌ها محسوب می‌شود و شناختن حقوق جزا برای تمام حقوقدانان به‌عنوان تابعان حقوق جزا، نه تنها امری مفید بلکه لازم و ضروری به نظر می‌رسد. حقوق جزای اختصاصی در این میان دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای است؛ چراکه حقوق جزای اختصاصی به توصیف هریک از جرایم می‌پردازد و از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است، چراکه با یک نظام قهرآمیز و کیفری به سامان‌دهی امور پرداخته می‌شود. بازنمایی ناقص و مبهم از توصیفات جزایی، بسیاری از حقوق انسانی همچون حقوق دفاعی متهم را زیر پا گذاشته و سیستم عدالت کیفری را با

چالش‌های جدی مواجه خواهد ساخت.

توصیف جزایی یک مسئله بسیار مهم در حقوق کیفری است که در این خصوص با فقر منبع مواجه هستیم. یکی از مباحث‌های مهمی که ضروری است در خصوص آن مدل‌سازی ارائه شود، حقوق جزای اختصاصی است، چراکه حقوق جزای اختصاصی و بحث توصیف جزایی از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است که گاهی موجب سردرگمی‌های فراوان مخاطبان می‌شود که این پژوهش به معرفی مدل‌سازی (الگوسازی) حقوق جزای اختصاصی با تأکید بر توصیف جزایی قاعده‌مند می‌پردازد و از این جهت دارای ابتکار و نوآوری پژوهشی است. هدف اصلی این پژوهش ارائه یک مدل‌سازی در جهت قاعده‌مندسازی توصیف جزایی و روش‌مند نمودن توصیف جزایی است.

این پژوهش در همین راستا به پرسش‌های ذیل پاسخ خواهد داد: مدل‌سازی و توصیف جزایی از چه معنا و مفهومی برخوردار است؟ کدام اصول را می‌توان در خصوص توصیف جزایی قاعده‌مند در نظر گرفت؟ الگو و مدل توصیف جزایی قاعده‌مند، از چه قطعاتی تشکیل شده و هر جزء دارای چه مفهوم و ساختاری است؟

۱- مبانی و مفاهیم نظری

با توجه به شیوه علمی مرسوم در هر علمی، ابتدا باید با واژگان کلیدی پژوهش آشنا شویم، که در این گفتار به بررسی این مقوله می‌پردازیم.

۱-۱- روش و روش‌شناسی

روش^۱ به معنای در پیش گرفتن راه است. روش عبارت است از فرآیند عقلانی یا غیرعقلانی ذهن برای دستیابی به شناخت یا توصیف واقعیت. به واسطه روش می‌توان از طریق عقل یا غیر آن واقعیت‌ها را شناخت و مدلل کرد و از لغزش برکنار ماند. در واقع، روش هرگونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود است. روش ممکن است به مجموعه طریقی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند، مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند، اطلاق شود (ساروخانی، ۱۳۸۵، ۲۴).

روش‌شناسی^۲ نیز که در کنار روش مطرح می‌گردد به‌عنوان شناخت سطوح مختلف از روش است که مهم‌ترین سطح در روش‌شناسی، سطح توصیف و تحلیل است که در رده پنجم قرار می‌گیرد. در سطح

1- Method

2- Methodology

پنجم، روش توصیفی به معنای اعم خود به روش توصیفی به معنای اخص، روش تحلیلی و روش نقدی تقسیم می‌شود. روش توصیفی به معنای اخص نیز به توصیف مشاهده‌تی و توصیف تحلیلی یا تبیین منقسم می‌گردد. ما در توصیف مشاهده‌تی تنها مشاهدات خود را بدون هیچ گونه تحلیل یا نقدی بیان می‌کنیم؛ البته توصیف و تبیین اموری اضافی هستند، به این معنا که هر تبیینی نسبت به تبیین فراتر خود نوعی توصیف محسوب می‌شود. هدف تبیین، یافتن علل پدیده‌ها و هدف تحلیل، یافتن پیش فرض‌ها و آثار و نتایج مترتب بر یک رأی است. در نقد (برخلاف تحلیل) به داوری نظری و عملی موضوع می‌پردازیم. نقد نظری به مطابقت مسئله با واقع و نقد عملی به آثار و نتایج فردی و اجتماعی آن مربوط می‌شود. تحقیق هنجاری به ارائه بایدها و نبایدها می‌پردازد (ملکیان، ۱۳۸۰، ۲۰). همان‌طور که بدیهی است رویکردهای توصیفی، تحلیلی و انتقادی در یک سطح قرار گرفته و از اهمیت والایی در روش‌شناسی برخوردار هستند، از این رو ارائه توصیفی از مطالب مطرح شده و تحلیل آن‌ها کفایت نمی‌کند و باید یک رویکرد انتقادی نیز نسبت به این امر وجود داشته باشد که پژوهش حاضر سعی در نقد دیدگاه‌های موجود در زمینه توصیف جزایی و ارائه یک مدل توصیف جزایی قاعده‌مند و روش‌مند دارد.

۱-۲- مدل‌سازی

خلاصه‌ای از واقعیت را مدل می‌گویند. فرآیند ایجاد و انتخاب مدل‌ها را مدل‌سازی نامیده‌اند. مفهوم مدل یکی از مفاهیم اساسی فلسفه علم و معرفت‌شناسی معاصر است. فیزیکدانان یک مسئله واقعی را حل نمی‌کنند، بلکه به جای آن مسئله، مدلی را به وجود می‌آورند تا به کمک آن مسئله را حل کنند (اخلاقی، ۱۳۸۸، ۱۶۳). در واقع، مدل‌سازی یک راهی است که انسان با آن می‌تواند خودش را با پیچیدگی‌ها وفق دهد. انسان علاقه دارد که این پیچیدگی‌ها را با استفاده از مدل‌ها ساده‌تر کند. پس یک مدل، ارائه انتزاع از یک واقعیت است و مدل همواره یک هدف را دنبال می‌کند. همان‌طور که بیان شد، مدل‌سازی واژه‌ای عاریه‌ای از علوم مهندسی است که شاید در زمان‌های قبل فقط در علوم مهندسی استفاده می‌شده است، اما خوشبختانه کاربرد آن در علم حقوق از سوی یکی از حقوق‌دانان فرانسوی^۳ در کتاب نظام‌های بزرگ سیاست جنایی برای ارائه مدل‌های سیاست جنایی عملیاتی شد. مدل، به‌عنوان یک ابزار تسهیل‌کننده مطالعات اجازه می‌دهد تا موضوع مورد بررسی، جمع‌بندی شود (دلماز مارتی، ۱۳۹۳، ۱۳۷).

۳- استاد می‌ری دلماز مارتی

۱-۳- توصیف جزایی

توصیف در لغت به معنای وصف کردن، نشانه دادن و بیان حال است (دهخدا، ۱۳۹۵، ۳۵۸). جزا یا کیفری که در اینجا به‌عنوان وصف اصلی توصیف به کار می‌رود، در مقابل امر حقوقی یا غیرجزایی قرار می‌گیرد. نویسندگان حقوقی در نوشتارهای خود معمولاً هیچ‌گاه این لفظ را به کار نبرده‌اند و برای شناخت بیشتر نویسندگان از الفاظی همچون جرم‌انگاری، عنوان اتهامی و... استفاده نموده‌اند که همه این عبارات سازنده عبارت توصیف جزایی است. موضوع جرم مجموع رفتار، شرایط، اوضاع و احوال و گاه نتایجی را در بر می‌گیرد که با یک یا چند عنوان کیفری منطبق است (صالحی، ۱۳۹۷، ۹۵۰). از این رو شناخت دقیق‌تر توصیف جزایی از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است. یکی از سخت‌ترین و چالش برانگیزترین توصیفات، توصیف‌های جزایی است، چراکه با یک نظام قهرآمیز و کیفری به سامان‌دهی امور پرداخته می‌شود. بازنمایی ناقص و مبهم از توصیفات جزایی، بسیاری از حقوق انسانی همچون حقوق دفاعی متهم را زیر پا گذاشته و سیستم عدالت کیفری را با چالش‌های جدی مواجه خواهد ساخت.

۲- اصول توصیف جزایی قاعده‌مند

حقوق کیفری باید از یک سری اصول و قواعد تبعیت کرده تا از پیامدهای منفی و مخرب در سیستم عدالت کیفری جلوگیری شود (Husak, 2008, 58). اصولی که در اینجا ارائه می‌شود به‌عنوان اصولی نوین است که با کمی مذاقه از مطالب کلیدی حقوق جزا قابل استنباط است.

۲-۱- اصل تعزیری بودن توصیف جزایی

از یک دیدگاه، در فقه کیفری اسلام، تقسیم جرایم به حد و تعزیر قاعده‌ای مسلم تلقی می‌شود و این تقسیم‌بندی تعبدی قلمداد شده است، اما با مکان‌یابی مقررات کیفری اسلام، می‌توان دریافت که مقررات کیفری در ذیل سیاست قرار می‌گیرد و ذیل عبادات قرار نخواهد گرفت، ضمن این که پیامبر اکرم (ص) نیز در مقام ترسیم یک نظام کیفری نبوده‌اند و روایات نشان‌دهنده عرفی و عصری بودن مقررات جزایی بوده‌اند (امیدی، ۱۳۸۸، ۳۳) و تأکید فراوان بر تفکیک حد و تعزیر نباید جلوه تعبدی به خود بگیرد.

در این میان، از جمله قواعد اختصاصی ابواب جزایی فقه اسلامی قاعده‌ای است که با عنوان قاعده منع یا عدم توسع در حدود یا بنای حدود بر تخفیف و احتیاط از آن یاد می‌شود (امیدی، ۱۳۹۸، ۳۱۶) این قاعده یادآور این نکته کلیدی و مهم است که حدود تقییدی‌اند. ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب

۱۳۹۲ در این خصوص مقرر داشته: «حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس تعیین شده است.» به همین دلیل است که بسیاری از انتقادات در باب گسترش تفکیک محاربه از افساد فی الارض و توسعه جرم افساد فی الارض وارد شده است. این که با طرح نمودن عباراتی مثل گسترده و... جرایمی فی نفسه تعزیری با شرایط مبهم، حدی قلمداد شده است، بسیار مورد نقد است. برخی از جرایم، علیرغم این که تا حدودی قابلیت انطباق با برخی از عناوین فقهی را دارد، اما با توجه به جدید بودن دسته‌های خاصی از جرایم، باید در قالب تعزیرات جرم‌انگاری شوند. در واقع، توصیف‌های جزایی حدی باید معین شرعی باشند و در صورت ابهام در حدی یا تعزیری قلمداد نمودن جرم، باید آن را حمل بر تعزیری بودن نمود که در اینجا اصل تعزیری بودن توصیف جزایی مستفاد می‌شود؛ بدین معنا که اصل در توصیف جزایی بر تعزیری بودن جرم است مگر آن که به تعبیر ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، معین شرعی بوده باشد.

در بحث توصیف‌های مربوط به قصاص و دیات شکی وجود ندارد، بلکه تنها شکی که به موقع قانون‌گذاری می‌تواند قانون‌گذار را سردرگم کند، ارائه یک توصیف تعزیری یا حدی از یک جرم خاص است. مثلاً قانون‌گذار به هنگام ارائه یک توصیف جزایی از جرم تروریسم، آن را در قالب جرم حدی محاربه جای می‌دهد و معتقد است که وقتی سلاحی طرح می‌شود که هدف، ارباب است در قالب همان جرم محاربه مطرح شود که در فقه داریم. شاید در اینجا بتوان یک توصیف حدی از تروریسم را به طور کلی در باب حدود ارائه داد، اما برخی از مصادیق نوین تروریسم همانند تروریسم زیست‌محیطی، تروریسم سایبری و... که سلاحی عریان در آن طرح نمی‌شود به نظر باید در قالب جرم تعزیری جرم‌انگاری شوند که متأسفانه برخی از مصادیق نوین تروریسم در قالب جرم افساد فی الارض نهاد‌گذاری شده است (میرکمالی و همکاران، ۱۳۹۷، ۴۴۲) و یکی از این جنبه‌های نوین تروریسم، تروریسم علیه آب است (اسدی و وروانی، ۱۳۹۸، ۱). اما وقتی ما در ارائه توصیف جزایی اقسام نوین تروریسم شک داشته باشیم، باید اصل را بر تعزیری بودن توصیف بگذاریم و آن را در قالب تعزیرات جرم‌انگاری کنیم و یک توصیف جزایی از آن ارائه دهیم.

با کمی مسامحه حتی می‌توان در ارائه اصل تعزیری بودن توصیف، از قاعده درء‌الحد نیز بهره جست. بدین معنا که در صورت وجود شبهه به هنگام قانون‌گذاری (در تعزیری یا حدی قلمداد نمودن) باید حد را ساقط و تعزیری بودن را از آن استنباط نمود. البته شاید به هنگام تعزیری قلمداد نمودن برخی از جرایم

نوبت، مثل تروریسم زیست‌محیطی، این ایراد مطرح شود که «التعزیر دون الحد»، اما با کمی مذاقه و ژرف نگری، می‌توان نوعی اختلاف در ترجمه همین عبارت را مشاهده نمود. چراکه گاهی عنوان شده که تعزیر متفاوت از حد است؛ نه این که لزوماً به معنای کم بودن میزان تعزیر از حد باشد. از سوی دیگر، با پذیرش اصل تعزیری بودن توصیف جزایی، می‌توان از توسعه حدود و مجازات‌های سنگین آن که گاهی موجب وهن شریعت می‌شود، جلوگیری نمود.

۲-۲- اصل لزوم تبعیت توصیف جزایی از اصول کلی حقوق کیفری

درواقع، حقوق کیفری هر کشور که آیین تمام‌نمای سیاست کیفری تقنینی کشور باید اصول‌مند باشد (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۶، ۷). همه اصول حقوقی ریشه‌ای عقلانی دارند، اصول کلی حقوق کیفری نیز ریشه عقلانی دارد. این اصول در تمامی نظام‌های حقوقی مشترک‌اند. اولین و مهم‌ترین کارکرد اصولگرایی کیفری، قاعده‌مند ساختن حقوق کیفری است. درواقع، این قاعده‌مندسازی، خصیصه ذاتی اصولگرایی کیفری محسوب می‌شود (شاملو و پاک‌نیت، ۱۳۹۲، ۵۲). امروزه انعکاس اصول کلی حقوق کیفری در بخش مواد عمومی است، چراکه مواد عمومی قدر متیقن اصول کلی حقوق کیفری است. درواقع، توجه به اصول کلی حقوق کیفری از اهداف جدایی‌ناپذیر حقوق کیفری مدرن اس (Petersen, 2020, 45). اما متأسفانه در نظام‌های حقوق کیفری، حتی در مدل لیبرال از اصول کلی به خاطر حفظ حقوق حاکمیت عدول می‌شود (شیرود بزرگی و محدنسل، ۱۳۹۸: ۱۰۳).

یکی از مهم‌ترین اصول شناخته شده حقوق کیفری، اصل قانونی بودن جرم و مجازات است که سراسر قانون کیفری تابع آن است. امروزه از این اصل تحت عنوان قانونی بودن حقوق کیفری یاد می‌شود. این به‌عنوان یک اصل ضروری شناخته شده که در حقوق جدید ما، جرم و مجازات بدون قانون وجود ندارد. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که مقرر داشته: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود.» در واقع همان اصل قانونی بودن جرم و مجازات است که قانون‌گذار در مواد ۱۲ و ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحت عنوان «قانونی بودن جرائم، مجازات‌ها و دادرسی کیفری» به این مهم اشاره نموده است اما در بخش مواد عمومی کتاب دوم یعنی کتاب حدود از این اصل مهم و کلیدی عدول می‌کند که این امر عدم تزیق نوعی توصیف‌های شرعی است که در قانون مطرح نشده است. حکم به کیفر به استناد منابع فقهی به اضمحلال حقوق کیفری خواهد انجامید (حیب زاده و توحیدی فرد، ۱۳۸۸، ۱۱۷) و این خلاف فرضیه حقوق

کیفری منطقی است (کوشا و پورحسن سنگری، ۱۳۹۷، ۱۰۱). توصیف مدنظر تابعان حقوق کیفری یک توصیف قانونی است و اگر قانون ما مبتنی بر شریعت است باید توصیف‌های شرعی برای این که قاعده‌ای الزام‌آور تلقی شوند، در قالب یک توصیف جزایی قانونی جلوه‌گر شوند.

یکی دیگر از مهم‌ترین اصول حقوق کیفری، اصل قضایی بودن مجازات‌ها است که در ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد تصریح قرار گرفته است. این ماده مقرر داشته: «حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آن‌ها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد.» به رغم تصریح این ماده، متأسفانه شاهد عدول از این اصل مهم حقوق کیفری در برخی از مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هستیم. بند ب ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با مطرح نمودن مهدورالدم و شبه عمدی نمودن چنین جنایاتی، وقوع این دسته از جرایم را تسهیل نموده است. در ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با طرح دوباره اعتقاد به مهدورالدم بودن، شاهد نقض این اصل مهم و بنیادین هستیم (مجیدی و ذوالفقاری، ۱۳۹۳، ۱۰۹) که این مواد به صراحت یک نوع عدالت خواهی خصوصی را تجویز کرده و مغایر با اصل قضایی بودن مجازات‌ها است که باید اصلاح گردد.

در یک نظام کیفری سازمان یافته، حقوق کیفری اختصاصی باید تجلی گاه حقوق کیفری عمومی و قواعد و اصول حقوق کیفری باشد. در واقع، هر بخش کد جزایی باید پیام آور حقوق کیفری مدرن باشد (Dubber, 2015, 9). توصیف‌های جزایی در همه باب‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات باید از اصول کلی حقوق کیفری تبعیت کنند. این یک واقعیت انکارناپذیر است که «حقوق وسیله نقلیه‌ای است که بیانگر مواضع دین است». اما نباید فراموش کرد که تا زمانی که قانون، مطلبی را عنوان نکرده باشد و برای آن ضمانت اجرا در نظر نگرفته نباشد، گویی هنوز یک قاعده اخلاقی، مذهبی و... است که تبدیل به قاعده حقوقی نشده است؛ به رغم آن که این توان را بالقوه دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۷، ۲۷). اصول کلی حقوق کیفری، جزء اصولی است که نباید استثناپذیر باشد، در غیر این صورت برخی از توصیف‌های جزایی برخلاف اصول خواهند بود و این با روح اصول کلی در تضاد است.

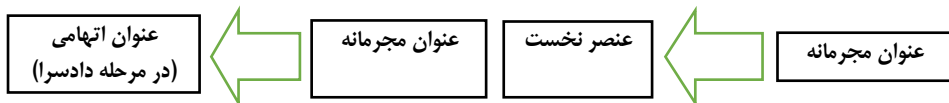
۳- الگوی مدل‌سازی توصیف جزایی

همان‌طور که در گفتارهای قبل اشاره شد، مدل‌سازی واژه‌ای عاریه‌ای از علوم مهندسی است که شاید در زمان‌های قبل فقط در علوم مهندسی استفاده می‌شده است، اما خوشبختانه کاربرد آن در علم حقوق از

سوی یکی از حقوق‌دانان فرانسوی^۴ در کتاب نظام‌های بزرگ سیاست جنایی برای ارائه مدل‌های سیاست جنایی عملیاتی شد. مدل، به‌عنوان یک ابزار تسهیل‌کننده مطالعات اجازه می‌دهد تا موضوع مورد بررسی، جمع‌بندی شود (دل‌ماس مارتی، ۱۳۹۳، ۱۳۷). یکی از مباحث‌های مهمی که ضروری است در خصوص آن مدل‌سازی ارائه شود، حقوق جزای اختصاصی است، چراکه حقوق جزای اختصاصی و بحث توصیف جزایی از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است که گاهی موجب سردرگمی‌های فراوان مخاطبان می‌شود. برای قاعده‌مند ساختن توصیف، باید اجزایی را برای توصیف قائل شویم. الگوی توصیف جزایی چند جزء و قطعه دارد که در ذیل به بررسی این اجزاء و قطعه‌ها می‌پردازیم.

۳-۱- عنوان مجرمانه (در مرحله دادسرا: عنوان اتهامی)

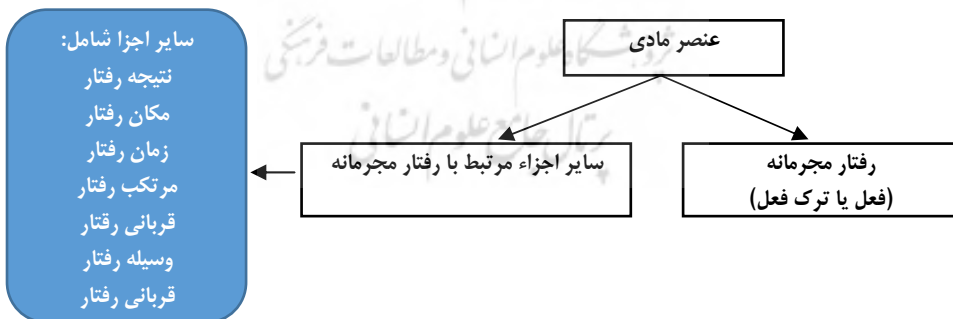
هر جرم از سه عنصر قانونی، مادی و روانی تشکیل می‌شود و برای محکوم شدن متهم به ارتکاب جرم، باید کلیه اجزای این عناصر توسط مرجع تعقیب اثبات شود. اولین عنصر شناخته شده جرم، عنصر قانونی جرم است که برخی از حقوق‌دانان عنصر قانونی را همان متن قانون تلقی کرده و برای آن حیات مستقلی قائل نیستند و بر این اعتقاد دارند که عنصر جرایم همان عنصر مادی و روانی است و عنصر قانونی نیازی به پیش‌بینی مستقل ندارد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸، ۲۸). با کمی مذاقه باید به این نکته برسیم که عنصر قانونی اگر همان متن قانون باشد، خود متن قانون که به تشریح عنصر مادی و روانی پرداخته است و این که بگوییم عنصر قانونی همان ماده قانونی است کمی با اشتباه مواجه هستیم. چراکه آن وقت عنصر قانونی همان تشریح عناصر مادی و روانی خواهد بود. ما در مدل و الگویی که در این گفتار ارائه می‌دهیم، به جای استفاده از عنصر قانونی، عنصر نخست را به‌عنوان مجرمانه اختصاص می‌دهیم که این عنوان مجرمانه در مرحله کاربردی در دادسرا، همان عنوان اتهامی است؛ چراکه در خصوص شخص متهم به کار می‌رود. یعنی ما ابتدا، عنصر عنوان مجرمانه را باید در متن قانون پیدا کنیم و سپس به تشریح عنصر مادی و روانی آن پردازیم. اولین قطعه و جزء توصیف، عنوان مجرمانه است. در رشته‌های مهندسی برای طراحی الگوها، برخی از قطعه‌ها نقش کلیدی دارد و در کانون قرار می‌گیرد. کانون و نقش کلیدی در اینجا عنوان مجرمانه است.



تعیین عنوان کیفری همان نامگذاری جرم است. این نامگذاری اسم عامی است برای مجموعه‌ای از رفتارهای خاص. نامگذاری رفتار و مهم‌تر از آن نامگذاری رفتار مجرمانه در مقایسه با نامگذاری اشیاء یکی از سخت‌ترین و چالش برانگیزترین توصیفات به شمار می‌رود و به همین دلیل بازنمایی و تطبیق با مصادیق را با مشکل مواجه می‌کند. به گونه‌ای که بازنمایی ناقص و مبهم از ویژگی‌های ذاتی عناوین و اسامی جرایم به شمار می‌رود. به همین دلیل کنشگران دادرسی کیفری اعم از شاکی، متهم و مقامات قضایی همواره در تشخیص و تطبیق یک رفتار با عنوان مجرمانه دچار اختلاف و مهم‌تر از آن خطاهایی شایع می‌شوند. این اختلاف‌ها و خطاهای شایع در نهایت موجب نقض اصول رکن دادرسی کیفری و نقض عدالت کیفری می‌گردد (صالحی، ۱۳۹۷، ۹۵۰).

۳-۲- عنصر مادی

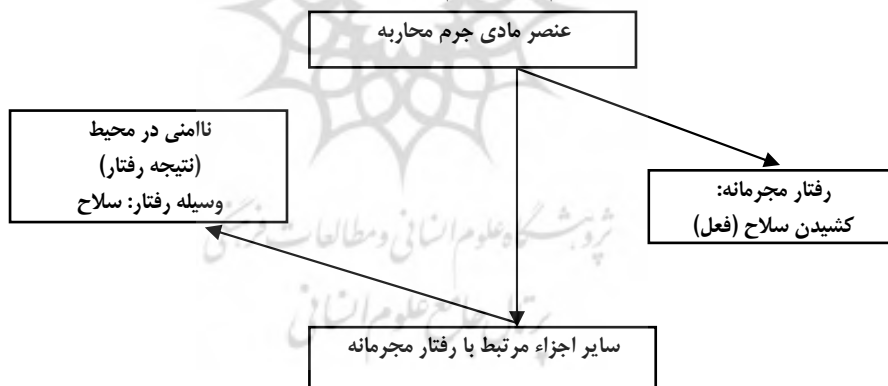
رکن مادی، رکن واقعی، عینی و بیرونی جرم است که پیکر جرم نامیده می‌شود (منصورآبادی، ۱۳۹۸، ۱۹۵). در کنار عنصر قانونی که پرتویی از اصل قانونی بودن جرم و مجازات است، عنصر مادی جرم مطرح می‌گردد. این عنصر مادی که بسیاری از حقوقدانان برای آن سه جزء رفتار فیزیکی، مجموعه شرایط و اوضاع و احوال و نتیجه را در نظر گرفته‌اند و برخی از جرایم را بدون نتیجه انگاشته و آن را جرم مطلق می‌نامند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸، ۵۸)، در الگوی مدل‌سازی که این پژوهش ارائه می‌کند، قطعه دوم که همان عنصر مادی است، از دو قطعه تشکیل می‌شود که اولین قطعه رفتار مجرمانه و دومین قطعه، سایر اجزاء مرتبط با رفتار مجرمانه است.



وجود رفتار که قطعه اساسی و مهمی در عنصر مادی است در قالب فعل یا ترک فعل محقق می‌شود و وجود این قطعه ضروری است. اما وجود سایر اجزاء مرتبط با رفتار مجرمانه لزوماً لازم و ضروری نیست و

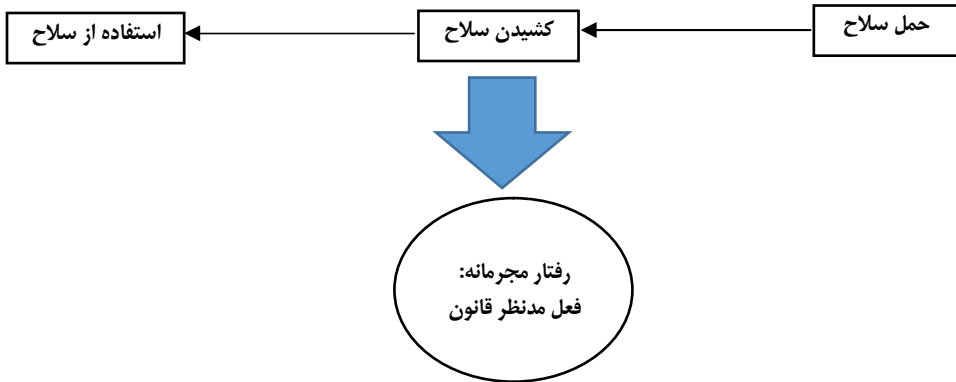
می‌تواند صرف رفتار ملاک باشد. سایر اجزا مرتبط با رفتار مجرمانه وابسته‌اند به رفتار مجرمانه یعنی اگر رفتار نباشد امکان وجود سایر اجزاء نیست؛ یعنی وجود مستقل ندارند. البته ناگفته نماند که نوسان‌های توصیف می‌تواند در جرایم مختلف کاملاً مشاهده شود یعنی همیشه کانون توصیف رفتار مجرمانه نیست. گاهی رفتار مجرمانه کانون عنصر مادی قرار می‌گیرد و گاهی نتیجه رفتار فعال می‌شود و رفتار مجرمانه منفعل می‌شود. به نظر می‌رسد وقتی در خصوص یک جرم، زمان مهم است با وجود این که جرم رفتار دارد کانون عنصر مادی زمان است. در جرم مطلق، مرکز جرم‌انگاری رفتار مجرمانه است و وقتی رفتار مجرمانه شکل نگیرد، هسته جرم دیگر شکل نمی‌گیرد. پس در جرم مطلق رفتار مجرمانه خیلی مهم است. مصداق بارز جرم مطلق توهین است و توهین را بیان کردن برای محقق شدن جرم کافی است. در مقابل، جرم مقید جرمی است که نیاز به نتیجه دارد؛ یعنی نتیجه از رفتار مجرمانه باید عاید شود پس نتیجه کانون توجه است. قتل یک جرم مقید است، برای مان مهم نیست با چه رفتاری نتیجه حاصل شده است؛ مهم نتیجه قتل است که همان سلب حیات است.

اگر بخواهیم در خصوص جرم محاربه این مطالب را پیاده‌سازی کنیم، باید ابتدا اولین قطعه را پیدا کرده و سایر اجزاء را به‌عنوان قطعه دوم تعیین کنیم که نمودار آن به شکل زیر خواهد بود.



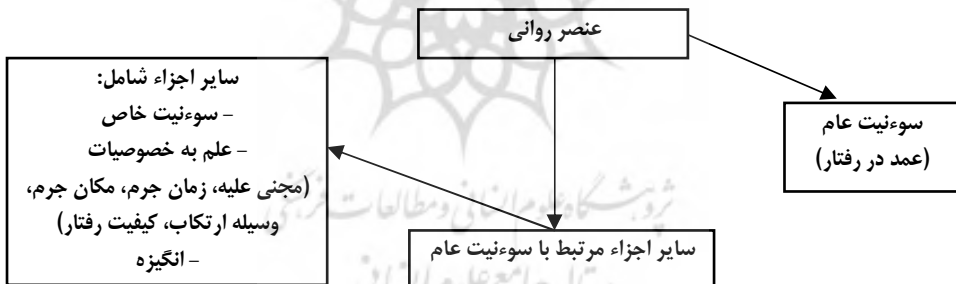
همان‌طور که مشاهده می‌شود، در جرم محاربه کانون توجه؛ دیگر، رفتار (یعنی کشیدن سلاح) نیست، بلکه کانون توصیف نتیجه جرم است و باید محیط ناامن شود و آن ناامنی مدنظر قانون‌گذار است. سایر اجزاء مثل زمان جرم، مکان جرم و... دیگر مدنظر قانون‌گذار نیست. در جرایم علیه امنیت قانون‌گذار معمولاً از لفظ هرکس استفاده کرده که این نشان‌دهنده این امر است که مرتکب رفتار برای قانون‌گذار مهم نیست. در جرایم علیه امنیت، سختگیری بیشتر است؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود، قانون‌گذار

برای تحقق جرم محاربه؛ کشیدن سلاح را کافی می‌داند، یعنی لازم نیست مرتکب از سلاح استفاده کند. در واقع کشیدن سلاح فعلی است بین حمل سلاح و استفاده از آن.

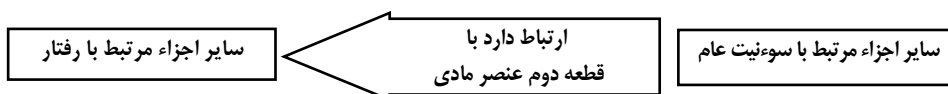
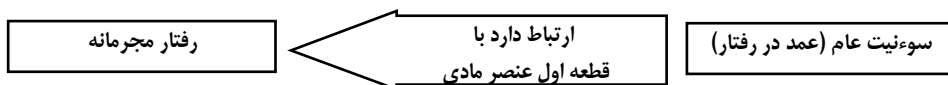


۳-۳- عنصر روانی

برای تحقق جرم، نقض اوامر و نواهی قانون‌گذار به تنهایی کافی نیست. فعل یا ترک فعل مجرمانه باید خواست و اراده فاعل باشد، به سخن دیگر، میان فعل مادی و حالات روانی فاعل باید نسبتی موجود باشد تا بتوان مرتکب را مقصر شناخت (اردبیلی، ۱۳۹۸، ۱۷۰).



در قطعه سوم مدل‌سازی که عنصر روانی است، ما همانند عنصر مادی دو قطعه مهم داریم که با قطعات عنصر مادی تعیین می‌شوند. به عبارت دیگر، در عنصر مادی، نخستین قطعه؛ رفتار بود که در عنصر روانی قطعه معادل آن، سوءنیت عام یعنی عمد در رفتار مجرمانه است. دومین قطعه نیز در عنصر مادی، سایر اجزاء مرتبط بود که در عنصر روانی قطعه معادل آن سایر اجزاء مرتبط است که عبارت‌اند از سوءنیت خاص و انگیزه که لازم نیست حتماً وجود داشته باشد. یعنی یک جرم با سوءنیت عام محقق می‌شود، اما ممکن است قانون‌گذار یک جزء مرتبط دیگر را مثل سوءنیت خاص طلب کند.



هرجا ارتباط عنصر مادی با روانی قطع شود اثبات جرم غیرممکن است و مرتکب تبرئه می‌شود. در خصوص جرم محاربه این ارتباط به نحو زیر برقرار می‌شود.



نتیجه

هدف پژوهش حاضر قاعده‌مندسازی و روش‌مند نمودن توصیف جزایی بوده است، برای تحقق هدف مطرح شده، یک مدل و الگو در نظر گرفته شد که اگر مطابق با مدل پیشنهادی عمل شود، هم در مرحله قانون‌گذاری شاهد عناوین مجرمانه مبهم نخواهیم بود و هم در مرحله شناسایی عناصر جرم، با الفاظ مبهم در توصیف جزایی روبرو نمی‌شویم. یکی از حوزه‌هایی که شفافیت در قانون‌گذاری در آن مشاهده می‌شود، جرم محاربه است که کاملاً در مدل پیشنهادی جای می‌گیرد؛ اما برخی از جرائم علیه امنیت همچون جرم افساد فی الارض با مدل و الگوی توصیف جزایی سازگاری ندارد، چراکه برخی از الفاظ

مبهم همچون گسترده، وسیع و... جایگاهی در مدل ندارند و استفاده از این الفاظ هم در مرحله قانون‌گذاری، اصل کیفی بودن و شفافیت قانون‌گذاری را زیرسوال می‌برد و هم در مرحله کیفردهی از سوی قاضی، رویه واحدی را درخصوص امر خطیر کیفردهی نخواهیم داشت.

مدل پیشنهادشده در پژوهش حاضر، قابلیت اعمال در هر جرمی را دارد؛ اما بهترین کاربرد پیشنهاد این مدل درخصوص جرایم علیه امنیت خواهد بود؛ چراکه در حوزه جرایم علیه امنیت با یک نظام جرم‌انگاری تهاجمی و مبهم مواجه می‌شویم که مغایر با توصیف جزایی قاعده‌مند و روش‌مند است. قانون‌گذار درخصوص جرایم علیه امنیت نیز باید در چهارچوب اصول کلی حقوق کیفری عمل کرده و از جرم‌انگاری‌های خلاف اصول کلی ممانعت به عمل آورد. به این منظور لازم است که تابع مدل و الگوی توصیف جزایی قاعده‌مند باشد. مدل پیشنهادی این پژوهش برخلاف روش‌های دیگری که در کتاب‌های حقوق جزای اختصاصی ارائه شده، برای نخستین بار مدلی را ارائه داده که از یک الگوی خاصی بهره گرفته است.

در مدل پیشنهادی پژوهش حاضر، هر جرم از سه قطعه و یا جزء تشکیل می‌شود که قطعه اول، عنوان مجرمانه است که به مناسبت در مرحله کاربردی دادرسی، همان عنوان اتهامی است. عناوین جزایی به دو دسته تصریحی و غیرتصریحی قابل تقسیم است که تقریباً می‌توان به جد بیان نمود که پژوهش‌های سابق به بررسی این مدل نپرداخته و اولین جزء را عنصر قانونی تلقی نموده‌اند. درخصوص قطعه‌های دوم و سوم این مدل، که همانا عنصر مادی و عنصر روانی است یک سازماندهی خاصی صورت گرفته است که در پژوهش به تفصیل بیان شد؛ اما نکته‌ای که در این پژوهش بیشتر به چشم می‌خورد این است که اجزای توصیف قاعده‌مندسازی شده و با کاربرد این مدل و الگو، می‌توان به راحتی به شناسایی جرم اقدام نمود. ما در پژوهش حاضر دو رویکرد را مطرح کردیم: رویکرد کلی مدل توصیف به صورت کلی و تعیین اجزای توصیف به صورت کلی. انطباق رویکرد کلی در یک مورد خاص که همان جرم محاربه به‌عنوان یک جرم حدی علیه امنیت بود. یعنی ابتدا، اجزای مدل را بدون لحاظ جرمی خاص تبیین کردیم و سپس اجزای مدل را با لحاظ جرمی خاص بررسی کردیم. کانون‌های توصیف و ارتباط هر جزء با جزء دیگر در مدل پیشنهادی تأکید شده است که باعث کاستن اشتباهات قانونی (به هنگام تدوین قانون)، اشتباهات قضایی (به هنگام صدور حکم) و مهم‌تر از همه مفیدفایده برای قشر دانشجویان، اساتید و وکلای حقوق خواهد بود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- اخلاقی، رضا، ۱۳۸۸، اهمیت مدل‌سازی در علم، **مجله جستارهای فلسفی**، شماره ۱۶.
- اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۸، **حقوق جزای عمومی**، جلد نخست، تهران، انتشارات میزان.
- اسدی، محمد و وروائی، اکبر، ۱۳۹۸، سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال تروریسم علیه آب، **فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، شماره ۱.
- امیدوی، جلیل، ۱۳۸۸، سنت نبوی و عدالت کیفری، **فصلنامه مطالعات حقوق**، شماره ۴.
- امیدوی، جلیل، ۱۳۹۸، **تفسیر قوانین جزایی**، تهران، انتشارات میزان.
- حبیب زاده، محمدجعفر و توحیدی فرد، محمد، ۱۳۸۸، **قانون مداری در قلمرو حقوق کیفری**، تهران، انتشارات دادگستر.
- دلماس مارتی، می‌ری، ۱۳۹۳، **نظام‌های بزرگ سیاست جنایی**، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات میزان.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۹۵، **لغت نامه**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ساروخانی، باقر، ۱۳۸۵، **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شاملو، باقر و پاک‌نیت، مصطفی، ۱۳۹۲، اصول گرای حقوقی بستی برای تولد عدالت کیفری، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۶۴.
- شمس ناتری، محمدابراهیم؛ زارع، ابراهیم؛ ریاضت، زینب، ۱۳۹۶، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی**، تهران، انتشارات میزان.
- شیروذرگی، مجتبی و محمدنسل، غلامرضا، ۱۳۹۸، تأثیر نئولیبرالیسم بر توسعه گرای حقوق کیفری در

- حوزه نظم و امنیت عمومی، **فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی**، شماره ۳.
- صالحی، محمدخلیل، ۱۳۹۷، چالش موضوع و عنوان اتهام در فرآیند دادرسی کیفری ایران، **مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی**، زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، کتاب سوم، تهران، انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۷، **فلسفه حقوق**، جلد اول، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- کوشا، جعفر و پورحسن سنگری، علی، ۱۳۹۷، فرضیه حقوق کیفری منطقی، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۸۷.
- مجیدی، سید محمود و ذوالفقاری، مهدی، ۱۳۹۳، سرگذشت اصل قضایی بودن مجازات‌ها، **فصلنامه مبانی فقهی حقوق اسلامی**، شماره ۱۴.
- ملکیان، مصطفی، ۱۳۸۰، روش‌شناسی در علوم سیاسی، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۱۴.
- منصورآبادی، عباس، ۱۳۹۸، **حقوق جزای عمومی**، جلد نخست، تهران، انتشارات میزان.
- میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۹۸، **حقوق جزای اختصاصی**، تهران، انتشارات میزان.
- میرکمالی، علیرضا؛ حاجی‌وند، امین؛ صفری، فرشید، ۱۳۹۷، تروریسم زیست محیطی در حقوق کیفری فرانسه و تطبیق آن با جرم‌انگاری‌های مشابه در ایران، **فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، شماره ۲.

لاتین

- Petersen, Thomas, 2020, Why Criminalization?, Springer.
- Dubber, Markus, 2015, An Introduction to the Model Penal Code, Second edition, Oxford University press.
- Husak, Douglas, 2008, Over criminalization, Oxford university press.